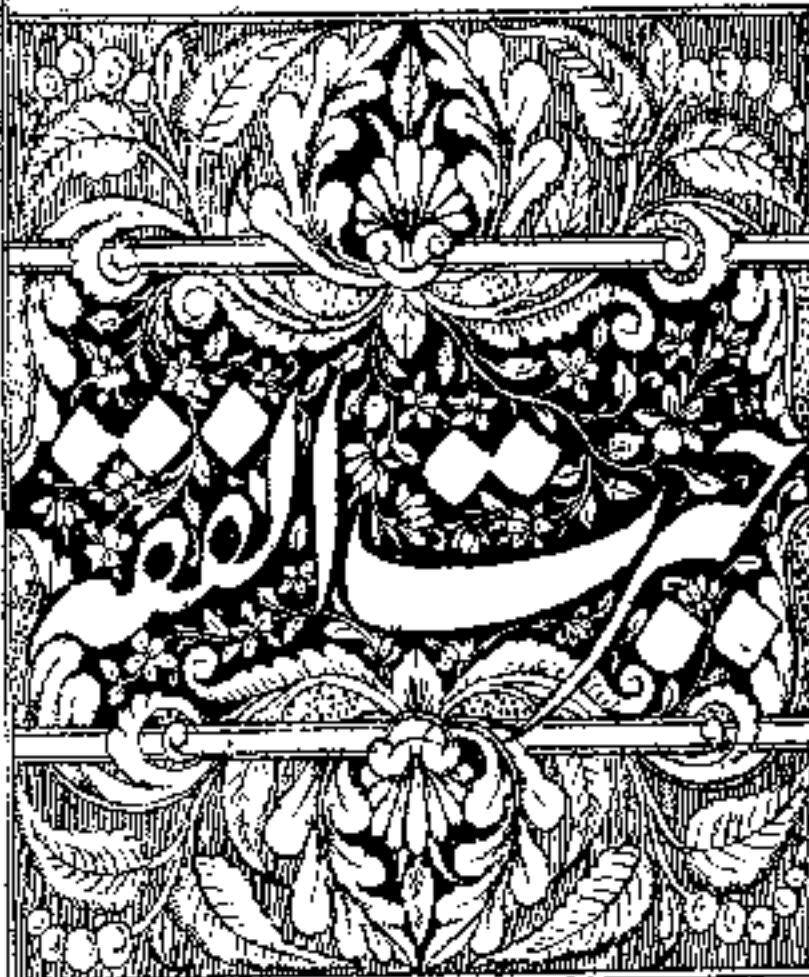


وَمَنْ يَتُوكَ فَلْيَكُ عَلَى اللَّهِ حِسَابًا



مَطْبَعُ مَدِينَةِ مِصْرَ
بِإِذْنِ مِصْرَفِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ

نوعی از این غلامان که در
 غلبه شود و مالک در
 آنجا که در آن ملک است
 اگر چه در آن ملک است
 اما آنجا که مالک است

نماز که او پس نماز او جاری باشد زیرا که جنابت بر وی فرض نبود سوال اگر
 ترا پسند که مردی در صبح نماز میگذارد و مردی دیگر آمد و به پهلوی او بایستاد چون
 آن مرد از نماز فارغ شد چو از وضو و نماز وی بدست او شد اگر خواهد نماز او در
 داره اگر خواهد باطل کند صورت این مسئله چگونه است جواب بگو آن مرد در
 بیابان بود و آب نیافت بود که بان آب دست کند تیمم نماز میگذارد آن مرد که به پهلوی
 او بایستاد و مظهر و آب داشت و در شریعت چنین گویند که اگر تیمم نماز میگذارد
 و مردی بگردن نماز بایستد پهلوی او بایستد چون از نماز فارغ شود از آن
 آب طلبد اگر آن مرد آب ندیده نماز او درست باشد اگر چه در آنجا که باطل شود زیرا که
 موجود بودن آب بر نماز تیمم شک نیست صلاح و فساد نماز او بدست آن مرد شد اگر خواهد
 نماز او درست و اگر خواهد باطل کند سوال اگر ترا پسند که بنده و مولی هر دو
 در راه میرفتند هم در آن راه بنده آزاد شد و مولی گشته معمولی بنده شد صورت
 این مسئله چگونه است جواب بگو مولی او کافر حربی است او بنده مسلم را در آن
 حرب خرید کرده بود و بعد از آن حربی بآن بنده بخیر امان در دار اسلام در آمد چه
 برد غالب شود دیگر دو مالک گردند و نزد یک ابو حنیفه گوئی همانزوی که صاحب بنده
 مالک نگردد و لیکن چو در هر دو چنین اگر حربی از دار حرب امان خواسته در دار
 اسلام در آمد در بازار رفت و غلامی خرید در شریعت حکم این آنست که اگر حربی
 امان خواسته بمصلحت در دار اسلام در آمد چنانکه بر وی در شریعت نباشد اما چون

سوال اگر چه در آن ملک است
 اما آنجا که مالک است
 اگر چه در آن ملک است
 اما آنجا که مالک است

سوال اگر چه در آن ملک است
 اما آنجا که مالک است
 اگر چه در آن ملک است
 اما آنجا که مالک است

نوعی از این غلامان که در
 غلبه شود و مالک در
 آنجا که در آن ملک است
 اگر چه در آن ملک است
 اما آنجا که مالک است

میماند واجب است بر امام
 فاسد شکر اگر چه بر ایشان نماز
 و سلام داد پس نماز ایشان
 عالیم خود نماز ساقی از آنرا در
 اقامت کرده اند از این
 بنده بود سوال او در نمازین
 آنرا که امامت می کرد
 بگو

رفت و پاک شده برآمد چگونه باشد جواب بگو جنبی غسل کرده بود غسل
 فراموش نموده بود در شریعت جنبی منضمه فریضه است او درون مسجد رفت
 و منضمه کرده آب بخورد پاک شده بیرون آمد سوال اگر ترا پرسند که مردی در
 نماز دو گانه شتر خرگرم در دو رکعت نماز است سجده کرد چگونه باشد جواب بگو
 آنرا خاتم قرآنت یعنی تمام قرآن در دو رکعت نماز ختم کرده است پس چهارده
 سجده تلاوتش چهار سجده نماز و دو سجده سهو سوال اگر ترا پرسند که مردی
 نصاب کامل دارد و ادای زکوة بر وی واجب شد مع ذلک او فقیر است
 و اخذ صدقه مراد را جایز باشد چگونه است جواب بگو آنرا دست که هیچ شتر
 دارد ولیکن قیمت شتر آن دویست درم شرعی نیست پس او را غنی ننگویند
 و اخذ صدقه مراد را جایز باشد اگر چه ادای زکوة شتر آن بر وی واجب شد
 است سوال اگر ترا پرسند که مردی قومی را در مسجد امامت میکرد و هم در
 اثنای آن مردی آمد بر موزه تازیانه زد نماز همه فاسد گشت چگونه باشد
 جواب بگو آن امام در وضو مسح موزه فراموش کرده همچنان امامت میکرد
 چون آن مرد بر موزه خود تازیانه زد مسح موزه یاد آورد نماز همه تاه و فاسد گشت
 نیز که مسح موزه بر وی فرض بود چون نماز او فاسد شد نماز معتدیان نیز فاسد
 شود سوال اگر ترا پرسند جماعتی مسافران بساقران اقتدا کرده بودند یکی
 ازین معتدیان نیت اقامت کرد نماز همه فاسد گشت چگونه باشد جواب بگو

سوال اگر ترا پرسند که
 ای دو موزنی جماعتیان
 در مسجد نماز میکنند و در میان
 آنها مردی میماند سجده میکند
 زن امام در موزن صلوات

۴

و چنانچه از این است
 و الا آن کس که سجده
 کند چگونه باشد جواب بگو
 زنی در موزن نماز
 رفت چون امام در وضو
 زان او را مستند کرد و در
 سجده کرد مردی مستند بود

در نماز نیست و بیوقوف
 اما بخامره را از اجابت ده
 تا با کسی که در نماز است
 در نماز است و در وضو
 در نماز است و در وضو
 در نماز است و در وضو

منه
 بود که آنرا بر امام از دست
 گشت تشدید خوانند بعد از امام
 و نیز خوانند بعد از امام
 و تشدید خوانند او نیز تا عبت
 که در سوم بار تشدید خوانند بعد
 از آن امام سجده تلاوت را
 که در نماز واجب شده است

گواهی دروغ داده بودند که ما خبر داریم که شوهر ایشان در سفر مرده است قاضی گوئی
 ایشان آن دوزن را پای کشاده کردی امام را فرستاد می موزن را خوانند اول
 سجده یا گفتند روزی آن امام و موزن در آن مسجد نماز میکردند آن دو گواه آورد
 نیز بر دانه لگده بودند نگاه آنروز سفر رسید چون او نمرده بود زمان او همچنان آن
 او شدند بر امام و موزن حرام گفتند چون آن جماعتیان که گواهی دروغ دادند
 بر ایشان سیاست و اجتناب چون خانه که او را مسجد کرده بودند ملک خرید بود شرعاً
 او توانست که مسجد را خراب کند و باز خانه سازد **سوال** اگر ترا پرسند مردی تشدید
 دارد و تیمم معذک که او در نماز است چگونه باشد **جواب** بگو آن مردی است
 که در نماز او احدی رسیده است و از جهت وضو از مسجد بیرون آمد پس در نماز
 امامی که افعال منافق صلوة نکرده چنانچه نکرده و تقه و تکلم و جز آن **سوال** اگر
 ترا پرسند که در ایام متوضی که ام عضو است که زنی شستن آن فرض است و قی نه
جواب بگو آن دو عضو است زنج و عارضتین زیرا که پیش از بر آمدن ریش
 آن دو عضو بر توضی فرض است بعد از بر آمدن ریش شستن آن دو عضو فرض
 نیست از جهت حرج **سوال** مردی در نماز شام شروع کردیم در سرت
 نماز نکرت تشدید خوانند چگونه باشد **جواب** بگو آن مرد سبق است که امام
 در وقت دوم بعد از برداشتن نماز رکوع دریافت و برابر وی در قعه اولی
 تشدید خوانند پس یک تشدید همچنین باشد بعد یک رکعت که از نماز امام باقی مانده

یاد آور در مسجد کرده تشدید
 او نیز تا عبت کرد و چهار رکعت
 تشدید خوانند نیز امام سجده بود
 بسبب این جای آور دادند
 متابعت کرد و چهار تشدید خوانند
 چون امام سلام دارد از نماز
 بیرون آمده بعد از آن عبت

قضای و رکعت که از وی
 تشدید بود در تمام رکعت
 بعد از آن یک تشدید خوانند
 تشدید خوانند بعد از آن یک تشدید
 بعد از آن یک تشدید خوانند
 بعد از آن یک تشدید خوانند
 بعد از آن یک تشدید خوانند
 بعد از آن یک تشدید خوانند

در رکعت اولی تشدید خوانند
 در رکعت دوم تشدید خوانند
 در رکعت سوم تشدید خوانند
 در رکعت چهارم تشدید خوانند
 در رکعت پنجم تشدید خوانند
 در رکعت ششم تشدید خوانند
 در رکعت هفتم تشدید خوانند
 در رکعت هشتم تشدید خوانند
 در رکعت نهم تشدید خوانند
 در رکعت دهم تشدید خوانند

و در این باب بام پیوسته
 و در این باب بام پیوسته
 و در این باب بام پیوسته
 و در این باب بام پیوسته

تدوین آن است که اگر کسی
 در وقت سجده دعا بخواند
 و در وقت سجده دعا بخواند
 و در وقت سجده دعا بخواند

جواب بگو آن سبوق است که امام را در رکعت دوم بعد از برود شستن سر از رکوع یا
 بود هم در آن ساعت امام محدث گشت همان سبوق را خلیفه گرفت او دو سجده
 که امام از رکعت دوم مگذرشته بود کرد یک سجده دیگر که امام در رکعت اول فراموش
 کرده بود آن نیز تصاکر و بعد تشهد خوانده مقتدی را خلیفه از بخت سلام گرفت
 و خود برای نادای آن دو رکعت که از وی فوت شده بود برخاست چهار سجده در
 دو رکعت کرد چنانکه گفت سجده شد سوال اگر ترا پرسند که در این توضیح کلام
 است که شستن آن جائزست مسح آن چگونه باشد چه آب بگو آن پای مسح
 است که در مدت مسح از موزه کشیده هست زیرا که اگر آن پای بشوید و بر پای دوم
 مسح کند میان غسل و مسح اجتماع حاصل شود و آن روا نیست و اگر در آن مسح
 اول گفتا کند هم روا نباشد زیرا که چون در مدت مسح یک پای از موزه کشیده بود
 واجب شد که پای دوم هم کشیده برو پای بشوید سوال اگر ترا پرسند در وی
 با پنج زن نشسته بود از او پرسیدند که این زنان ترا که باشند گفت یک زن
 نشست در خواب نیست و دو کزیزک من است این هر پنج زن یکدیگر خواهران
 باشند چگونه باشد چه آب بگو مردی کزیزکی باشد دختر خریده بود یکی از آن دختر
 را از او کرده پس خود را عقد کرده داد و خود آن کزیزک را در تصرف خود را در داد
 و دخترش از بعد آن عقد فوت شد آن دو دختر که از پدر او بودند عمر آن پدر
 خواهران پدری یا ششزد یکدیگر دختر زن او باشد و دختر دیگر چون بنده پدر او

فقط بالای بام پیوسته
 و در این باب بام پیوسته
 و در این باب بام پیوسته
 و در این باب بام پیوسته

و در این باب بام پیوسته
 و در این باب بام پیوسته
 و در این باب بام پیوسته
 و در این باب بام پیوسته

زن باطل و افسردگان
 زن حامله بود در آن وقت
 وضع حمل کرد و بعد از آن
 بوضع حمل قاضی شد و بعد از آن
 انقضای عدت شوهری است
 کرد و با او بدین وقت
 شد سوال

بچه آوردند یکی شیر یکی خنجر بر یکی از ایشان میگویند که پس من آورده ام چون پس
 قاضی وند قاضی چگونه کند جواب بگوید و شیشه خورد بسیار و هر دو بکشد
 و شیر ایشان پر کرد و دین نماید شیر بر که گران باشد پس او را بد سوال اگر ترا
 پرسند که در آن حلال زاده میگویی که مادر من در نکاح پدر من در امد اول
 خطبه نکاح من خوانده بودم چگونه باشد جواب بگو مردی را از کتیزنگ و پس
 زاده بود آن کتیزنگ از او کرد چون پس بزرگ شد آمد همچنان که یک در نکاح خود آورد
 و خطبه آن پس او خواند سوال اگر ترا پرسند مردی بعد از صحیح شرعی بده در
 مثل بزنی خواهی در سفر رفت زن او کتوب بنشیند فرستاد که آن زن شهر
 دیگر کرده است بیخبر است چنان کند که برای من بیخبر خرج بفرسند چگونه باشد جواب
 بگو آن مرد بزند پدر آن زن بود چون پدر آن وفات یافت آن بنده بارش
 ملک آن زن گشت و نکاحی که میان ایشان بود فاسد شد بعد از آن زن
 بکشد عدت شوهر دیگر کرد آن بنده در سفر بود با و کتوب نوشت خرج از
 طلبید سوال مردی از خانه بیرون آمد در بازار رفت ساعتی در بازار بخرید
 و فروخت مشغول گشت بعد از بازار بخانه آمد چه بیند که زن او شوهری دیگر
 کرده است و با او بدوق تنعم مشغول گشته چگونه باشد جواب بگو که آن مرد طلاق
 زن خود بشرطی معلق کرده بود که اگر تو بازید سخن گوئی و بی اذن من از خانه بیرون
 آئی ترا سه طلاق بدهد او بازید سخن کرد و بی اذن از خانه بیرون آمد زن

اگر ترا پرسند که پس من آورده ام چون پس
 قاضی وند قاضی چگونه کند جواب بگوید
 و شیر ایشان پر کرد و دین نماید شیر بر که
 گران باشد پس او را بد سوال اگر ترا
 پرسند که در آن حلال زاده میگویی که مادر
 من در نکاح پدر من در امد اول خطبه نکاح
 من خوانده بودم چگونه باشد جواب بگو
 مردی را از کتیزنگ و پس زاده بود آن
 کتیزنگ از او کرد چون پس بزرگ شد آمد
 همچنان که یک در نکاح خود آورد و خطبه
 آن پس او خواند سوال اگر ترا پرسند
 مردی بعد از صحیح شرعی بده در مثل بزنی
 خواهی در سفر رفت زن او کتوب بنشیند
 فرستاد که آن زن شهر دیگر کرده است
 بیخبر است چنان کند که برای من بیخبر
 خرج بفرسند چگونه باشد جواب بگو
 آن مرد بزند پدر آن زن بود چون پدر
 آن وفات یافت آن بنده بارش ملک آن زن
 گشت و نکاحی که میان ایشان بود فاسد
 شد بعد از آن زن بکشد عدت شوهر دیگر
 کرد آن بنده در سفر بود با و کتوب
 نوشت خرج از طلبید سوال مردی از خانه
 بیرون آمد در بازار رفت ساعتی در بازار
 بخرید و فروخت مشغول گشت بعد از بازار
 بخانه آمد چه بیند که زن او شوهری دیگر
 کرده است و با او بدوق تنعم مشغول گشته
 چگونه باشد جواب بگو که آن مرد طلاق
 زن خود بشرطی معلق کرده بود که اگر تو
 بازید سخن گوئی و بی اذن من از خانه
 بیرون آئی ترا سه طلاق بدهد او بازید
 سخن کرد و بی اذن از خانه بیرون آمد زن

اگر ترا پرسند که پس من آورده ام چون پس
 قاضی وند قاضی چگونه کند جواب بگوید
 و شیر ایشان پر کرد و دین نماید شیر بر که
 گران باشد پس او را بد سوال اگر ترا
 پرسند که در آن حلال زاده میگویی که مادر
 من در نکاح پدر من در امد اول خطبه نکاح
 من خوانده بودم چگونه باشد جواب بگو
 مردی را از کتیزنگ و پس زاده بود آن
 کتیزنگ از او کرد چون پس بزرگ شد آمد
 همچنان که یک در نکاح خود آورد و خطبه
 آن پس او خواند سوال اگر ترا پرسند
 مردی بعد از صحیح شرعی بده در مثل بزنی
 خواهی در سفر رفت زن او کتوب بنشیند
 فرستاد که آن زن شهر دیگر کرده است
 بیخبر است چنان کند که برای من بیخبر
 خرج بفرسند چگونه باشد جواب بگو
 آن مرد بزند پدر آن زن بود چون پدر
 آن وفات یافت آن بنده بارش ملک آن زن
 گشت و نکاحی که میان ایشان بود فاسد
 شد بعد از آن زن بکشد عدت شوهر دیگر
 کرد آن بنده در سفر بود با و کتوب
 نوشت خرج از طلبید سوال مردی از خانه
 بیرون آمد در بازار رفت ساعتی در بازار
 بخرید و فروخت مشغول گشت بعد از بازار
 بخانه آمد چه بیند که زن او شوهری دیگر
 کرده است و با او بدوق تنعم مشغول گشته
 چگونه باشد جواب بگو که آن مرد طلاق
 زن خود بشرطی معلق کرده بود که اگر تو
 بازید سخن گوئی و بی اذن من از خانه
 بیرون آئی ترا سه طلاق بدهد او بازید
 سخن کرد و بی اذن از خانه بیرون آمد زن

اگر ترا پرسند که پس من آورده ام چون پس
 قاضی وند قاضی چگونه کند جواب بگوید
 و شیر ایشان پر کرد و دین نماید شیر بر که
 گران باشد پس او را بد سوال اگر ترا
 پرسند که در آن حلال زاده میگویی که مادر
 من در نکاح پدر من در امد اول خطبه نکاح
 من خوانده بودم چگونه باشد جواب بگو
 مردی را از کتیزنگ و پس زاده بود آن
 کتیزنگ از او کرد چون پس بزرگ شد آمد
 همچنان که یک در نکاح خود آورد و خطبه
 آن پس او خواند سوال اگر ترا پرسند
 مردی بعد از صحیح شرعی بده در مثل بزنی
 خواهی در سفر رفت زن او کتوب بنشیند
 فرستاد که آن زن شهر دیگر کرده است
 بیخبر است چنان کند که برای من بیخبر
 خرج بفرسند چگونه باشد جواب بگو
 آن مرد بزند پدر آن زن بود چون پدر
 آن وفات یافت آن بنده بارش ملک آن زن
 گشت و نکاحی که میان ایشان بود فاسد
 شد بعد از آن زن بکشد عدت شوهر دیگر
 کرد آن بنده در سفر بود با و کتوب
 نوشت خرج از طلبید سوال مردی از خانه
 بیرون آمد در بازار رفت ساعتی در بازار
 بخرید و فروخت مشغول گشت بعد از بازار
 بخانه آمد چه بیند که زن او شوهری دیگر
 کرده است و با او بدوق تنعم مشغول گشته
 چگونه باشد جواب بگو که آن مرد طلاق
 زن خود بشرطی معلق کرده بود که اگر تو
 بازید سخن گوئی و بی اذن من از خانه
 بیرون آئی ترا سه طلاق بدهد او بازید
 سخن کرد و بی اذن از خانه بیرون آمد زن

مردی زنی را در دم زنی با شوهرت رساله از آن
 ایشان در یک عقد است
 او بیان فرمودند که این
 جواب گویان
 مردی زنی را در دم زنی با شوهرت رساله از آن

همچنین نکاح دوم آن نکاح سوم جائز بود زیرا چه جن دو کس در پہلوی او
 نشسته بودند گواه شدند پس نکاح ایشان فاسد و نکاح او جائز باشد سوم
 مردی با زنی در دو خواهر خود را در یک عقد بنزد مردی مثل مردی زنی داد و نکاح
 بر سه جائز بود چگونه باشد جواب گویان هر سه زن میان خود بیگانه اند پس
 اجتماع ایشان در عقد واحد درست باشد صورت مسئله آنست که زنی میان
 دو کس شرکت دان کند که یک را در هر دو شرکت می نماید که در هر دو شرکت
 ثابت شود و هر دو ایشان بر دو پدر او بودند و این هر دو پدر او را بیگانگان
 دختر بود از زنی دیگر پس آن هر دو دختر خواهر بودند از طرف پدر پس بعد از آن
 هر دو پدر او را در هر دو خواهر خود را در یک عقد مردی زنی داد پس نکاح ایشان
 جائز باشد زیرا که بیان ایشان هیچ قرابتی نیست سوال مردی دوزن داشت
 یکی ازین دوزن بچه را شیر داد زن دوم بران مرد حرام شد چگونه باشد جواب
 گویان زنی دم که بوی حرام شده است کینه ک مردی بود او در نکاح آن بچه بود
 چون سولی او را از او کرد و مالک نفس خود گشت و نکاح را براندخت و بعد از گذشتن
 عدت شوهری دیگر کرد آن شوهر زنی دیگر هم داشت آن زن این
 بچه را شیر داد آن زن دوم که اول در نکاح آن بچه بود بران مرد
 حرام گشت زیرا که آن بچه پسر رضاعی آن مرد شد و زن پسر رضاعی حلال است
 چنانکه زن پسر رضاعی حلال است سوال مردی و خواهر خود را در یک عقد بنزد مرد

فو استخوانان بل در دم زنی
 و ضمیم دست از زنی بر او
 زنی مردی زنی در دم زنی
 زنی مردی زنی در دم زنی
 زنی مردی زنی در دم زنی

زنی را در پس نکاح برود
 بیشترند که بیان ایشان هیچ
 مردی زنی در دم زنی
 مردی زنی در دم زنی
 مردی زنی در دم زنی

فو استخوانان بل در دم زنی
 و ضمیم دست از زنی بر او
 زنی مردی زنی در دم زنی
 زنی مردی زنی در دم زنی
 زنی مردی زنی در دم زنی

بسم الله الرحمن الرحيم
 واصل علی بن ابی طالب
 زنی از کتبی خود نوشت که در
 سینه در نصاب است
 در کتبی زن کرده را در سینه
 در آن سینه در میان این کتبی
 در آن سینه در میان این کتبی
 در آن سینه در میان این کتبی

وکیل کرد پدر حکم و کالت مولی پدر خود را فروخت و درم از آن دور مهر او بود
 استیفا کرد سوال بچا است با رویه را و بنده و خود از آن دیگر اعتاق که چگونه
 باشد چه آب بگو آن بچا است که پدر او با زن مولی که بزرگ پدر خود زنی کرد
 با دور پدر راه خرس است از روی دیگر و پس از آن را باشد زیرا که پدر آن حرست مولی
 مردی زنی را نیز نکاح دخی کرده آن زن بروی عوی مهر کرد و پیش حاکم مسلمانان
 بروی بعد از ثبوت عوی از حویب در دلمه و مده ت دثوت نسب از روی چگونه باشد
 چه آب بگو آن مرد و دستا بشبه نکاح صورت این مسئله است مردی زنی
 را برده درم مثل برنی کرد چون وقت خلعت شد از آن زن زنی دیگر بطلان بود
 در سار نزد گفتند که این زن است و آن مرد در این حال خبر خود تمام شب بود
 یکجا بود چون باطو در آن زن عوی مهر کرد و در پیش حاکم مسلمانان بر حکم
 بر از ثبوت بروی حکم نه مهره آن سنی زن فرخ در در یک عقد و در مرد زنی که
 نکاح کی جانز و نکاح دوم فاسد چگونه باشد چه آب بگو آن مرد که نکاح او فاسد
 در خانه پدر زن داشته او آن حکم زن در شرع درست نیست پس نکاح او فاسد
 نکاح دیگری جانز سوالی زن است مهر او بر زنی واجب شد و میان ایشان
 زن آن شوی نیست چگونه باشد چه آب بگو آن شوهر آن زن آن مرد اجست
 نکاح خود وکیل ساخته بود آن مرد حکم کالت او زنی را در نکاح کرده و ضمان مهر
 شد پس حکم ضمانت مهر بر زنی او واجب شد اگر چه میان ایشان زن آن شوی نیست

آن درم از روی بطلان آن نکاح است
 آن درم از روی بطلان آن نکاح است
 آن درم از روی بطلان آن نکاح است
 آن درم از روی بطلان آن نکاح است
 آن درم از روی بطلان آن نکاح است

در خصوص آنست که کتبی
 نقیاب تمام در این می بود
 در این وقت که نکاح فاسد
 در این وقت که نکاح فاسد
 در این وقت که نکاح فاسد
 در این وقت که نکاح فاسد
 در این وقت که نکاح فاسد

در آن سینه در میان این کتبی
 در آن سینه در میان این کتبی
 در آن سینه در میان این کتبی
 در آن سینه در میان این کتبی
 در آن سینه در میان این کتبی
 در آن سینه در میان این کتبی

سوال در حکم طعم غذا خوردن
وقت انتظار در دیدن طعام
نزد و جمله آن چیست
بهر چه در صورت آنست
که بعد از گذشتن غم شب طعام
فرد و نیز آنکه آن طعام در آن
جمعیت بلکه طعام هر کس
که در وی سهمی بود که طعام
باشد نیز در این وقت
احاطت نشود سوال
۵

بیندازد چنانکه تمام آب نذران جامه در خورد و طلاق نیفتد سوال مردی
زن خود را گفت که اگر تو در دیگر چیزی پزی کنی آن طلال باشد نمی آن چرا
بسترو الا ترسه طلاق چگونه باشد جواب بگو شرابی در دیگر بیندازد و سیئه بسیار
آن اندازد و نیز طلاق بر وی نیفتد سوال مردی فتمه طعام در دهن کرد
مردی را گفت که اگر اتمه بخوری پس زن آنقدر است طلاق و اگر بر دهن اندازد
نیز از طلاق جمله آن چیست جواب بگو جمله در این صورت آنست که نمی از
نقته نخورد و نمی بیرون اندازد تا حاشا نشود سوال مردی سوگند خورد و
و آن سوگند نموده وقت نماز در آن وقت چگونه خواند جواب بگو جماعت بگزار
یعنی کسی اتمه انداخته حاج قرأت نشود و حاشا نگردد سوال مردی سوگند
خورد که هر چه در وقت نماز بخورد بر او باز خود جماع کرد و گفت که
در روز شام و آب وجود دارد و صحیح البه نیست جمله آن چیست جواب بگو
نماز نشود و نماز دیگر جماع بگزارد بجز باران خود جماع کند و بعد از غسل کند و بعد
تا شام نماز نشستن با جماعت بگزارد تا حاشا نشود زیرا که هر چه در وقت نماز جماع کرد و تمام
مذ غسل کرد سوال مردی زن خود را گفته که اگر من بالای زینه با تو جماع نکنم پس
طلاق جمله آن چیست جواب بگو در صورت جمله آنست که در وقت هر آنکه در نماز
پسین آرد بالای آن جماع کند تا حاشا نشود سوال مردی بنده دارد و
سوگند خورد که این بنده را نفروشم و نه بچشم ببندم میخواهد که نفروشد پس جمله آن چیست

سوال در حکم طعم غذا خوردن
وقت انتظار در دیدن طعام
نزد و جمله آن چیست
بهر چه در صورت آنست
که بعد از گذشتن غم شب طعام
فرد و نیز آنکه آن طعام در آن
جمعیت بلکه طعام هر کس
که در وی سهمی بود که طعام
باشد نیز در این وقت
احاطت نشود سوال
۵

در وقت آن دو بیت را
 عبادت آنرا در منزل
 در وقت آن دو بیت را
 عبادت آنرا در منزل
 در وقت آن دو بیت را
 عبادت آنرا در منزل

که در نکاح آن بیست بود و از محل داشت مولى باو گفته بود که اگر آن حمل که در شکم است
 دختر است پس آنرا از او کم بده پیش از آن که وضع حمل کند شوهرش و قات یا قاتله بود
 و درم مثلا ملک خود گذشت و در شان مرد که میان خود قسمت بیکر در آن زن
 آری ایشان را منع کرد زیرا که درین صورت واجبست بر ایشان که در قسمت ترک کنند
 دارند تا وضع حمل شود اگر آن زن دختر آرد فی الحال آنرا آزاد شود و ایشان هر دو میراث
 برزد و گنهان در شاه میراث برزد سوال مردی و قات یافت برادر باری
 و پدری خسری که گدشت تمام ترکه او با وجود برادر مردی پدری خسری برده میراث
 برد چگونه باشد جواب بگو خسری برده که میراث برده است از جسی دیگر برده است
 صورت این مسئله آنست زنی را مردی بعقد صحیح و شرعی زده درم مثلا زنی
 خواهست و پسر آن مرد از زنی دیگر بود و مادر آن زن پدر از زنی خواهست بعد از آن
 زن جسی زن پسر پسر آورد پس آن پسر بر جسد خود را خسری برده باشد زیرا که برادر
 زن او بریره است نیز باشد با وجود او برادر محرم است زیرا که بریره است
 و بریره احتی باشد بر پسرش بر زنی از برادر او اعلم بالصواب سوال پسر است
 که نزدیک امام ابوحنیفه او را زده راه رمضان است و نزدیک امام ابو یوسف او را
 او در راه شوال چگونه باشد چه او پسر است که قوز او در آخر ماه رمضان است
 که آنرا در میام ماه رمضان بود و در آن شب کسی ماه فرید چون روز شد چیزی از
 زدن او را و در نزد نزدیک امام اعظم رویت را اعتبار نیست پس آن روز او را

در وقت آن دو بیت را
 عبادت آنرا در منزل
 در وقت آن دو بیت را
 عبادت آنرا در منزل
 در وقت آن دو بیت را
 عبادت آنرا در منزل

در وقت آن دو بیت را
 عبادت آنرا در منزل
 در وقت آن دو بیت را
 عبادت آنرا در منزل
 در وقت آن دو بیت را
 عبادت آنرا در منزل

در وقت آن دو بیت را
 عبادت آنرا در منزل
 در وقت آن دو بیت را
 عبادت آنرا در منزل
 در وقت آن دو بیت را
 عبادت آنرا در منزل

باید از نظر اسد سوال خوانده
 نیاورد و بر این از ایشان
 سببی آورد و چون می شود
 بیان بر دو سبب جواب
 سبب اول سبب اول است
 سبب دوم سبب دوم است

نزدیک امام مالک حکم حیات کنند تا آنکه با او از بلند نگرید سوال زید مکتوبی بر محمد
 فرستاد مردم او را پرسیدند که زید بر تو مکتوبی فرستاده است آنرا خوانده یا نه او گفت
 از وی خوانده ام بر قول امام محمد خوانده است و بر قول امام ابو یوسف سخت زنگونی باشد
 چراپ بگو محمد در آن مکتوب نظر کرده اما لب زبان نجف ناییده است نزدیک امام
 محمد در صورت او را قاری گویند تا اگر مردی سوگند خورد که مکتوب فلان بخوانم
 بدهد او در مکتوب نظر کرد و مضمون آن در یافت نزدیک امام محمد حاشا شود
 زیرا که او را قاری گویند و نزدیک امام ابی یوسف حاشا نشود و او را قاری گویند
 مگر از زبان نجف ناییده سوال مردیست که بر قول ابی حنیفه صائم باشد و بر قول امام
 بگویند باشد جواب بگو آن مرد است که بعد از طلوع بجز نیت صوم فرض کرده باشد
 پس نزدیک امام عظیم او صائم باشد زیرا که نزد او نیت صوم فرض مثبت شرط
 بست نزدیک امام شافعی صائم نه زیرا که او نیت را از شب شرط میکند اسد اعلم
 سوال مردی زنی را برده در مثل بزنی خواهیست و پسر آن مرد که از زن دیگر بوده
 زن بزنی کرد بعد هر یکی از ایشان پسر در چه قرابتی میان بر دو پسر باشد
 جواب بگو پسر پدر پسر او را باشد و پسر پدر پسر او را نیامی باشد اگر پسر
 شد یعنی پدر او در آن زن را نکاح کرده پسر آن دختر آن زن را نکاح کند هر یکی از
 ایشان پسر آورد در صورت پسر پدر پسر او را باشد از طرف پدر یا
 را باشد از طرف مادر اما پسر پدر پسر او را برادر زاده باشد از طرف پدر خواهد

در صورتی که از زنی آید
 بعد بر یکی از ایشان
 در صورتی که پسر
 نیاورد باشد
 نیاورد باشد سوال
 سبب دوم مثل بزنی خواهیست

۱۳

در هر دو صورت آنکه از شوهر
 سبب بزنی که بعد هر یکی
 از ایشان پسر در چه قرابتی
 میان بر دو پسر باشد
 جواب بگو پسر پدر پسر او را
 باشد و پسر پدر پسر او را
 نیامی باشد اگر پسر
 شد یعنی پدر او در آن زن
 را نکاح کرده پسر آن دختر
 آن زن را نکاح کند هر یکی
 از ایشان پسر آورد در صورت
 پسر پدر پسر او را باشد
 از طرف پدر یا را باشد
 از طرف مادر اما پسر پدر
 پسر او را برادر زاده
 باشد از طرف پدر خواهد

کادر در حدیث است
 سوالی که از آنست
 سبب اول سبب اول است
 سبب دوم سبب دوم است
 سبب اول سبب اول است
 سبب دوم سبب دوم است

سوال در نماز اگر کسی در حال اذان یا اقامه نماز از نمازگاه بیرون رود و در نمازگاه برگردد آیا باید دوباره نماز کند یا نه؟
 جواب: اگر در نمازگاه باشد و در نمازگاه برگردد و نمازگاه را ترک نکرده باشد و در نمازگاه نماز کند و اگر در نمازگاه نباشد و در نمازگاه برگردد و نمازگاه را ترک کرده باشد و در نمازگاه نماز نکند و اگر در نمازگاه باشد و در نمازگاه برگردد و نمازگاه را ترک کرده باشد و در نمازگاه نماز کند و اگر در نمازگاه نباشد و در نمازگاه برگردد و نمازگاه را ترک کرده باشد و در نمازگاه نماز نکند.

کلام سجده است که او را در بعضی اوقات حکم سجده است جواب مسجد است که
 او را تا نماز در حکم سجده است در غیر آن حکم سجده است سوال کلام مصلحت است که نماز
 او بغير قراوت روست چو است بگو ای که قراوت خواندن نمیداند که گنگ است
 یعنی آنکه با امام در نماز شروع کرده بود او را حدش لاحق شد پس در وضو سارود
 نماز بغير قراوت تمام کند زیرا که او حکما در پس امام است و نماز اگر در وقت سهو کند
 سجده سهو لازم نیاید سوال مردی در نماز بود قرآن خواند نماز او فاسد شد چگونه
 باشد جواب آن مرد است که او را حدش لاحق شده در قیام چون برای وضو وقت
 چیزی از قرآن خواند نماز او فاسد گردید زیرا که او ادا کرد چیزی از وضو بغير وضو
 سوال چه حکم است که آدمی را چون عطسه می آید راحتی در نماز می آید یا چه جواب
 از آنکه روح در بعضی اوقات میخوابد که از این جایی بگریزد و سوس میخوابد و پرواز
 کند و از تن بیرون آید سوس میبرد و شاید که از وی مخزجی یا میس از
 و باغ آوزی برمی آید که باش بنور وقت بیرون شدن تو نیامده است پس قرار
 میگرد و از آنست که آدمی الحمد لله رب العالمین شکر آن سوال حضرت علامه
 جناب بی فاطمه را از هر آنچه گویند جواب آنرا آن که روی او روشن تابان بود که
 در شب تاریک که روشنی روی زمین در دریاخ سوزن می آمد و ما چه خلقت کرد
 از سبب بچشم بود که رضوان پاک سبب برست رسول علیه السلام داده بود و چون
 از شکوه شیرین تر از شهد پناه علیه السلام آرا بخورد و وقت آن در احوال است

اصل این که در نماز اگر کسی در حال اذان یا اقامه نماز از نمازگاه بیرون رود و در نمازگاه برگردد آیا باید دوباره نماز کند یا نه؟
 اینست که در نماز اگر کسی در حال اذان یا اقامه نماز از نمازگاه بیرون رود و در نمازگاه برگردد و نمازگاه را ترک نکرده باشد و در نمازگاه نماز کند و اگر در نمازگاه نباشد و در نمازگاه برگردد و نمازگاه را ترک کرده باشد و در نمازگاه نماز نکند و اگر در نمازگاه باشد و در نمازگاه برگردد و نمازگاه را ترک کرده باشد و در نمازگاه نماز کند و اگر در نمازگاه نباشد و در نمازگاه برگردد و نمازگاه را ترک کرده باشد و در نمازگاه نماز نکند.

اینست که در نماز اگر کسی در حال اذان یا اقامه نماز از نمازگاه بیرون رود و در نمازگاه برگردد آیا باید دوباره نماز کند یا نه؟
 اینست که در نماز اگر کسی در حال اذان یا اقامه نماز از نمازگاه بیرون رود و در نمازگاه برگردد و نمازگاه را ترک نکرده باشد و در نمازگاه نماز کند و اگر در نمازگاه نباشد و در نمازگاه برگردد و نمازگاه را ترک کرده باشد و در نمازگاه نماز نکند و اگر در نمازگاه باشد و در نمازگاه برگردد و نمازگاه را ترک کرده باشد و در نمازگاه نماز کند و اگر در نمازگاه نباشد و در نمازگاه برگردد و نمازگاه را ترک کرده باشد و در نمازگاه نماز نکند.

اینست که در نماز اگر کسی در حال اذان یا اقامه نماز از نمازگاه بیرون رود و در نمازگاه برگردد آیا باید دوباره نماز کند یا نه؟
 اینست که در نماز اگر کسی در حال اذان یا اقامه نماز از نمازگاه بیرون رود و در نمازگاه برگردد و نمازگاه را ترک نکرده باشد و در نمازگاه نماز کند و اگر در نمازگاه نباشد و در نمازگاه برگردد و نمازگاه را ترک کرده باشد و در نمازگاه نماز نکند و اگر در نمازگاه باشد و در نمازگاه برگردد و نمازگاه را ترک کرده باشد و در نمازگاه نماز کند و اگر در نمازگاه نباشد و در نمازگاه برگردد و نمازگاه را ترک کرده باشد و در نمازگاه نماز نکند.

غلبی نه غیر اسکا اول محل ایضا
 پیدارینوال ملک کا پوزن
 ن درغوا اسکی ای بسبب
 بافضل اور ایندہ کو بیضا
 ایندہ غلبی حال اول ایضا
 ہو اور بسبب غلام دینا
 بیست مان ایضا
 سبب

قائم مقام سح شدند نماز فریضه رو اگر دید و نماز سنت رو سوال مردی
 خم دارد یکی خم روغن دوم خم شیر سوم خم سرکه و از هر خمی چیزی در میان پشت
 انداخت پس درین پشت که موش مرده است بر کدام خم حکم نجاست کند جواب
 شکم موش بشکافد اگر روغن از شکم موش بیرون آید حکم نجاست بر خم روغن کند
 و اگر شیر بیرون آید بر خم شیر حکم کند و اگر سرکه بیرون آید بر خم سرکه حکم نجاست کند اگر
 بعد شکافتن چیزی بیرون نیاید از شکم موش پس آن موش را پیش گرداند از
 اگر بر نخورد حکم نجاست بر خم شیر روغن کند و اگر بر موش را نخورد حکم نجاست
 بر خم سرکه باشد سوال کدام سنت که قائم مقام فرض سنت ده ادا می کن
 فریضه ساقط میشود جواب آن سح موزه است زیرا که قائم مقام میشود بمقام
 شستن با پنا که فرض است و الله اعلم بالصواب سوال هر که نماز عداقتضا کند
 در روزه بشکند برای او چه قدر عذاب است جواب برای نماز که وقت شش بزر
 و چهار صد سال در عذاب دوزخ گرفتار ماند و برای یک روز ماه رمضان یا ده تا این مقدار

کتفت اور قابو ایضا
 ایک چیز نیاب فضل اور ایندہ
 سبب ایضا
 پیدارینوال ملک کا پوزن
 ن درغوا اسکی ای بسبب
 بافضل اور ایندہ کو بیضا
 ایندہ غلبی حال اول ایضا
 ہو اور بسبب غلام دینا
 بیست مان ایضا
 سبب

۱۶
 پیدارینوال ملک کا پوزن
 ن درغوا اسکی ای بسبب
 بافضل اور ایندہ کو بیضا
 ایندہ غلبی حال اول ایضا
 ہو اور بسبب غلام دینا
 بیست مان ایضا
 سبب

گردد

تمام سوالات مشکات الفقه المعرفه بحیرت الفقه
 استفسار جواب نکما جزا مولوی حید الدین صاحب رحمہ اللہ کا یہ ہی سوال
 آدمی کس چیز سی غلام اور لونڈی ہوتا ہی اور کونسا آدمی ہی کہ غلام اور لونڈی
 ہو سکتا ہی جواب آدمی عربی غلام و کنیز ہو سکتا ہی نہ غیر اسکا اگر ساتھ

پیدارینوال ملک کا پوزن
 ن درغوا اسکی ای بسبب
 بافضل اور ایندہ کو بیضا
 ایندہ غلبی حال اول ایضا
 ہو اور بسبب غلام دینا
 بیست مان ایضا
 سبب

غلام اور لونڈی ہوتا ہی اور کونسا آدمی ہی کہ غلام اور لونڈی
 ہو سکتا ہی جواب آدمی عربی غلام و کنیز ہو سکتا ہی نہ غیر اسکا اگر ساتھ
 پیدارینوال ملک کا پوزن
 ن درغوا اسکی ای بسبب
 بافضل اور ایندہ کو بیضا
 ایندہ غلبی حال اول ایضا
 ہو اور بسبب غلام دینا
 بیست مان ایضا
 سبب

اسی میں شریعت ہی جو مال کی
 دولت سے پہلے پہلے سے
 اس میں شریعت ہی جو مال کی
 دولت سے پہلے پہلے سے

خود ہی اور سب طرح وہ کہ سوائے اسکی من یعنی دربر اور ام ولد اور مکاتب جاری اسکی
 کتابت ہوتی ہی حریت انہیں ایک طرح کی بخلات برودن کفار کی اسکی کہ شرح فی فط
 کو دسی ہی عصمت انکی جو جس خنایت یعنی قصور انکی کی اور کر دیا ہی انکو بردہ اور نسوانیت
 انسی یعنی دربر اور ام ولد اور مکاتب جاری سی اور ہدایہ میں یہی مذکور ہی کہ بخلات
 کفار ترک دم پر پس بندہ میں لکرن اور لو اور برین اموال انکی مالکت فی من انکی سیب اسکی
 کہ غلبہ متحق ہو امال سلاح میں اور غلبہ ہی سیب ہی اور ہدایہ میں یہی مذکور ہی کہ غلبہ
 متحق نہیں ہوتا مگر ساتھ امر از کی طرف دار کی یعنی فی اتیکی طرف ملک اپنی
 کی اسکی کہ غلبہ عبارت ہی قابو پانی سی محل پر یا فضل اور آخر کار اور ذمی بیع
 حکم در بناوا و معات اولاد و النسخ کی داخل ہی کہ انما ہذہ الخیرۃ لیکون دما ہم
 کہ با نسا و امواتکم کا مو الیا یعنی اسکی کہ سوا اسکی نہیں کہ خرچ کیا ہی اسون
 جز یہ تاکہ ہون خون انکی مانند خون جاری کی اور اموال انکی مانند اموال جاری کی
 پس ذمی معصوم بنفسہ ہی چنانچہ اسکی کہ اسکی قتل ہی قصاص لازم آتا ہی اور
 بحر الزن میں آیا ہی کہ عادی میں مذکور ہی کہ ملک اختصاص ہی مانع خبر کو
 اور وہ اثر غلبہ کا ہی اسکی کہ سیب غلبہ کی ثابت ہوتی ہی ملک اس چیز میں
 کہ خالی ہو ملک سی اور وہ چیز کہ خالی ملک سی ہی وہی سلاح ہی غلبہ فقط
 طریق ملک ہی تمام اموال میں اس کی کہ اصل اباحت ہی اوس میں اور بیع اور
 ہدیہ مانند انکی ناقص میں ملک کہ حاصل ہوتی ہی سبب غلبہ کی طرف اسکی

و انفعال یعنی انتقال
 ہوتا ہی تاکہ واسطی اور
 بیع یا عیب کی ثابت نہیں ہوتا
 بخلات سوائے اسکی والی کی
 اس میں نہیں ہوتا ملک کی

۱۶

غلبہ کی دلیل
 اور وہ بیع ہی اور ہدیہ
 اور وہ بیع ہی اور ہدیہ
 اور وہ بیع ہی اور ہدیہ

اور ہدایہ میں مذکور ہی کہ
 اس میں شریعت ہی جو مال کی
 دولت سے پہلے پہلے سے

حضرت مولانا ابوالحسن علی دہلوی صاحب دہلی
 مولانا ابوالحسن علی دہلوی صاحب دہلی
 مولانا ابوالحسن علی دہلوی صاحب دہلی
 مولانا ابوالحسن علی دہلوی صاحب دہلی

موسیٰ بن نصیر
 مولانا ابوالحسن علی دہلوی صاحب دہلی
 مولانا ابوالحسن علی دہلوی صاحب دہلی
 مولانا ابوالحسن علی دہلوی صاحب دہلی

سورہ ستائیں نہیں ہیں قیدی ماند چوری ہی پس شیکاب تڑسی ہوں لینا مال کا اور مل
 کر انفس کا لیکن تحقیق غنیمت کے علاوہ شکر کا ذوق امام کی شرط ہی جو کوئی داخل ہو دار الحرب
 میں پس لوٹ لایا جسٹن لہجادی مکر وہ شخص کہ نہیں ہی لشکر اور غلبہ اسطی اور سکی اور
 نیاؤن یعنی اسخس نہیں لیکلی اور غلبہ اسطرح ہی ثابت ہوتا ہی کہ حربی جائز ہونی ہم
 اقارب اپنی کی معتد ہون اور سکی کا تہہ ہمیں اور تسلیم کریں اس لئے کہ اس صورت میں شکر کو
 قدرت آخر کار ہی ثابت ہی کہ حربی سبب قانون اپنی کی بیع کو شتر ہی کی مانتہ ہی
 چنانچہ سنکتی اگر بیع ناجائز ہی اور خزائنہ الروایات میں ہی کہ مسلمان داخل ہو دار الحرب
 میں تہہ امان کی پس خرید کسی بی بی بیٹا اور سکی یا باؤ اسکا صحیح یہ ہی کہ نہیں جائز یہ
 ہا حربی جیکہ معتد ہونی جو از اسوع کی لاک اسکا سبب تہہ کی نہ نسبت لیکلی یا حاکم اور لاک
 کسی کو کہ اگر غلام اور نویدی کری اسلی کہ اسکو ہی قدرت بالفعل اور آخر کار اس پر لڑی ہی
 ثابت ہے کوئی اسچ چنانچہ سنکتا اور خزائنہ الروایات میں یہ ہی کہ ذخیرہ میں بیٹوں ہی کہ
 بیجا ایک بادشاہ نے باو شاہوں بل حرب کے طرف کسی مسلمان کی ہدیہ ازادگان بل حوزہ
 میں باغض بل اپنی میں پس اگر نہیں در میان ہدیہ یعنی والی کی اور سکی کہ بطریق ہدیہ
 کی بیجا گیا تہہ بہت ملوک ہوئی ہ ازادگان بل حرب کے واسطی اسکی کہ ہدیہ بیجا گیا حربی اسکی
 اور اگر ہدیہ بیجا تہہ بہت حوزہ کہ ہدیہ ہی ہدیہ ہدیہ ام دلہ ہدیہ کی ہونیں ملوک
 ہوئی ہ ازادہ واسطی ہدیہ لیکنی اپنی اول ہ بادشاہ ہدیہ یعنی والی لاک تہہ ہی من ہدیہ
 پس اگر ذوی محرم ہدیہ گیا ام دلہ اسکی ہی ازادہ جوی ہدیہ پر اور انتقال لاک قبول کیا

۱۸
 مولانا ابوالحسن علی دہلوی صاحب دہلی
 مولانا ابوالحسن علی دہلوی صاحب دہلی
 مولانا ابوالحسن علی دہلوی صاحب دہلی
 مولانا ابوالحسن علی دہلوی صاحب دہلی

موسى بن نصير	محمّد بن مسلم	محمّد بن مسلم	محمّد بن مسلم	محمّد بن مسلم
محمّد بن مسلم	محمّد بن مسلم	محمّد بن مسلم	محمّد بن مسلم	محمّد بن مسلم